



Journal Researches of Quran and Hadith Sciences, Vol.19, No.2, Serial.54, Summer 2022
http://tqh.alzahra.ac.ir/ Alzahra University

Typology of Using Independent Reason in Criticism of Narrations

Alborz Mohaghegh Garfami¹

Sayed Ali Delbari²

DOI: 10.22051/TQH.2021.36187.3222

Received: 2021/05/19

Accepted: ۳۰/۱۰/۲۰۲۱

Abstract

Suspicious narrative reports are refined if they benefit from the authenticity of the informant with specific criteria such as the Qur'an, Sunnah, history, science, sense, experience, consensus and definite reason. Among these criteria, the function of intellect in two spheres of instrumental role-playing and independent role is very colorful. The confusion between these two areas has caused the researchers of the theoretical sciences of hadith to consider the instrumental applications of reason in criteria such as submission to the Qur'an, science and even literary sciences as components of the reason-oriented criticism of hadith, and as a result, to explain the types of measures of independent reason in the criticism of hadith. On the other hand, the similarity of concepts such as science, sense and experience, customs, the construction of intellectuals, the way of the wise and the way of Muslims, has caused these concepts to be equated. One of the achievements of this article in a descriptive-analytical method is redefining the concept of the standard of reason for criticizing hadith and explaining the difference between the function of reason in the aforementioned two spheres. In the next step, different types of the measure of reason in the criticism of hadiths are distinguished from each other with logical definitions and appropriate hadith examples are provided in each article. These types are: the way of the wise, the construction of the wise, the judgment of the independent reason, custom and logic. At the end, with the practical approach of the theoretical discussions, the necessity of solid interpretation of the hadith, before the final judgment about its validity, along with some hasty criticism of the hadith with the measure of reason is exemplified.

Keywords: *Hadith, content critique, independent intellect, instrumental intellect, interpretation*

¹. MA of Qur'an and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (The Corresponding Author). mohaghegh.gr@gmail.com

². Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. saddlebari@gmail.com



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۴۷-۱۸۲

گونه‌شناسی بهره‌وری از عقل مستقل در نقد روایات

البرز محقق گرفمی^۱

سید علی دلبری^۲

DOI: 10.22051/TQH.2021.36187.3222 تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

چکیده

گزارش‌های روایی ظن‌آور در صورت بهره‌مندی از صحت مخبری با معیارهای مشخصی مانند قرآن، سنت، تاریخ، علم، حس، تجربه، اجماع و عقل قطعی پالوده می‌شوند. در میان این معیارها، کارکرد عقل در دو سپهر نقش آفرینی ابزاری و نقش مستقل، بسیار پررنگ می‌نماید. خلط میان این دو حوزه، سبب شده تا پژوهشگران علوم نظری حدیث، کاربردهای ابزاری عقل در معیارهایی چون عرضه به قرآن، علم و حتی علوم ادبی را از مؤلفه‌های عقل محور نقد حدیث شمرده و در نتیجه از تبیین گونه‌های سنجه عقل مستقل در نقد احادیث باز بمانند. از دیگر سو، مشابهت مفاهیمی چون علم، حس و تجربه، عرف، بناء عقلاء، سیره عقلاء و سیره مسلمین، سبب همسان‌پنداری این مفاهیم شده است. از دستاوردهای این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، بازتعریف مفهوم معیار عقل برای نقد حدیث و تبیین تفاوت میان کارکرد عقل در دو سپهر پیش‌گفته است. در گام بعدی، گونه‌های مختلف سنجه عقل در نقد احادیث، با تعاریف منطقی از یکدیگر افزاشده و نمونه‌های حدیثی مناسبی در هر مقال فراهم آمده است. این گونه‌ها عبارتند از: سیره عقلاء، بناء عقلاء، حکم عقل مستقل، عرف و منطق. در پایان نیز با رویکرد کاربردی کردن مباحث نظری، بایستگی تأویل استوار حدیث، پیش از داوری نهایی درباره اعتبار آن به همراه نمونه‌هایی از نقد شتابزده احادیث با سنجه عقل آمده است.

واژه‌های کلیدی: حدیث، نقد محتوایی، عقل مستقل، عقل ابزاری، تأویل.

^۱ . کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. مشهد. ایران (نویسنده مسئول)

mohaghegh.gr@gmail.com

^۲ . دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. مشهد. ایران saddlebari@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

عقل و ادراک زیربنای حیات انسان‌ها و زبان مشترک آدمیان برای گفتگو و مفاهمه است. عقل، تنها معیار تشخیص حق از باطل بوده (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵۶) و اگر این سنجه حجیت آفرین از اعتبار ساقط شود، مبنایی استوار و همگانی وجود نخواهد داشت. اهمیت عقل سبب شده تا در روایات با عنوان رسول باطنی از وی یاد شده (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۵) و پیامبران نیز برای اثبات سفارت خود از این عنصر بهره برند. روش عقلی به عنوان یکی از روشهای کسب شناخت، در تمامی شاخه‌های علوم اسلامی حتی علوم نقلی، یا منبعی مستقل برای دستیابی به معرفت است یا ابزاری برای فهم، تبیین و اعتبارسنجی.

آیات قرآن نیز حوزه‌های کارکرد عقل را از اثبات براهین وجود خدا (انعام: ۷۶؛ ابراهیم: ۱۰) و معاد (سجده: ۱۸؛ ص: ۲۷) گرفته تا داوری عقل بر کنش‌های نیک و نقش آن در تشویق به ارزش‌های اخلاقی (حجرات: ۱۱-۱۲؛ فصلت: ۳۴) گسترانده‌اند. هم چنین یکی از چالش‌های تفسیر روائی نیز تعارض میان حکم عقل و روایات تفسیری است (غروی نایینی و نجفی، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

دانشوران پیشین علوم اسلامی در پاره‌ای موارد، اصطلاحاتی چون بناء عقلاء، حکم عقل، سیره عقلاء، عرف، مدح و ذم عقلاء، اجماع عملی، عادت، مرتکبات عقلیه و اتفاق امت را در معنای واحدی که حاکی از توافق و تواطؤ شماری از افراد بود، به جای هم به کار می‌بردند. به ویژه میان مفاهیم سیره عقلاء، بناء عقلاء و حکم عقل تفاوت معناداری تعریف نمی‌کردند. حتی گاهی عرف و اجماع را بالاترین درجه توافق عقلی افراد دانسته‌اند (آمدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۱۶۷). به کاربردن مفاهیمی چون عادت، عقل و نظر عقلاء برای رد روایات دال بر سی روز بودن ماه مبارک رمضان در همه سالها و نیز یکسان دانستن بداهت عقل و قول عقلاء، نمونه‌هایی از همسان‌انگاری این معیارها در آثار حدیث‌پژوهان است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۷۳، ۱۷۰؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۹). کاربست موارد پیش گفته به جای هم، ضرورت تعریف دقیق،

نقش و کارکرد هر کدام از این سنجه‌ها را در گستره اعتباریابی محتوایی حدیث آشکار می‌سازد.

۱. پیشینه

تقریباً تمامی کتب حوزه نظری نقد حدیث، از معیار مخالفت حدیث با عقل به عنوان سنجه‌ای برای رفوزش حدیث یاد کرده و نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند. در میان عامه نگاشته‌هایی چون «رد الحدیث من جهة المتن، دراسه فی مناہج المحدثین و الاصولیین» به کوشش معتز خطیب، «منهج نقد المتن عند علماء الحدیث» به قلم صلاح الدین ادلبی و «جهود المحدثین فی نقد متن الحدیث النبوی» نوشته محمد طاهر جوابی به بحث از پالودن حدیث با معیار عقل و یادکرد نمونه‌هایی پرداخته‌اند (به ترتیب: ۲۰۱۱، صص ۳۶۶-۳۷۱؛ ۱۴۰۳، ص ۳۰۴؛ بی تا، ص ۴۲۵ و ۴۸۹).

در میان امامیه نیز پی‌رنگ این موضوع، از کتب دانشوران متأخر مانند «عده الاصول» شیخ طوسی (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۳) تا «أخبار الدخیله» مرحوم شوشتری (بی تا، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۲) و نیز کتاب‌های «روش شناسی نقد احادیث» به کوشش استاد علی نصیری (۱۳۹۰، ص ۴۹۴-۵۶۶)، «منطق فهم حدیث» جناب سید محمد کاظم طباطبایی (۱۳۹۸، ص ۶۳۳-۶۶۸) و «روش شناسی نقد متن حدیث، با رویکرد تطبیق بر نمونه‌ها» نوشته مهدی ایزدی (۱۳۹۴، ص ۸۶-۹۵) قابل مشاهده است.

هم چنین، مقالاتی چون «نقد متن محور بر اساس ادله عقلی» (فتح اللهی، ۱۳۹۴، صص ۴۶-۵۶) و «نقش عقل در نقد و فهم حدیث از دیدگاه شیخ مفید» (مهدوی راد و تجری، ۱۳۸۷، صص ۱۶۵-۱۸۷) نیز، سنجه‌هایی چون نقد تاریخی، زبان شناختی، کشف معانی ترکیبی، انواع دلالت‌های کلام و نقد با استفاده از سنت قطعی را از سنجه‌های عقلانی فهم حدیث معرفی کرده‌اند. در حالیکه این معیارها هر یک حوزه‌ای مستقل دارند و استفاده از گوهر عقل در روند بهره از آنها در قامت ابزار معنا می‌یابد نه در نقش سنگ محکی

مستقل. افزون بر این، به گونه‌های مختلف کاربست سنجه عقل در نقد احادیث هیچ اشاره‌ای نداشته‌اند. نوشتار دیگری با عنوان «تحلیل حجیت بنای عقلاء با رویکردی به مسائل مستحدثه» (حسین نژاد، ۱۳۹۲، صص ۳۵-۵۴) نیز هیچ مرزی میان سیره عقلاء و بناء عقلاء در نظر نگرفته و به سبب همین همسان‌انگاری درپاره‌ای از مصادیق و نتایج دچار لغزش گردیده است.

مقاله «جایگاه و نقش عقل در نقد حدیث» (اعرابی، ۱۳۹۰، صص ۱۱-۳۴) نیز به سبب وابسته دانستن حجیت عقل به دلیل نقلی و عقلی، دچار خطای دور در کاربست استقلالی سنجه عقل شده و مانند آثار مشابه میان بهره از عقل و تعقل تفاوتی تصویر نکرده است. اما مقاله «بررسی کاربرد عقل در نقد روایات» (معارف و مرادی، ۱۳۹۶، صص ۸۰-۱۱۶)، به دوحوزه کارکرد ابزاری و مستقل عقل در نقد حدیث توجهی ویژه داشته و دسته‌بندی مناسبی برای کارکرد عقل ابزاری در نقد سند و متن ارائه کرده است. با این همه درباره عقل مستقل، تنها به میزان توان آن در اعتبارسنجی احادیثی با موضوعات احکام، عقاید و اخلاق پرداخته است و از دسته‌بندی گونه‌های معیار عقل در نقد روایات سخنی به میان نیاورده است.

با این توضیحات، نوشتاری که به تقسیم‌بندی منطقی و تبیین گونه‌های کارکرد عقل مستقل در اعتبارسنجی حدیث پرداخته شود، یافت نمی‌شود. بر این اساس، نوآوری‌های پژوهش حاضر در موارد ذیل خواهد بود: (۱) توجه به تفاوت میان بهره از عقل در قامت ابزار با نقش‌آفرینی آن به عنوان سنجه‌ای مستقل برای پالودن حدیث، (۲) افزاینده گونه‌های کارکرد این سنجه و (۳) تعریف دقیق هر کدام از گونه‌ها و ذکر نمونه‌های حدیثی متناسب با هر گونه.

۲. کلیات و مبانی

پیش از آغازیدن به معرفی گونه‌های بهره‌وری از عقل در فرآیند نقد احادیث، بایسته است مفاهیمی عقل مستقل و نقد محتوایی تبیین گردند. و در گام بعد نظرگاه دانشوران درباره

بهره از معیار عقل، باز خوانی شده و دیدگاه برگزیده درباره مدلول این قاعده تشریح گردد.

۱-۲. عقل در لغت و اصطلاح حدیث پژوهی

عقل در لغت به معانی حبس کردن، تقیید، منع، ضد جهل، دیه، علم به صفات اشیاء، بستن با طناب و قوه تشخیص دهنده حسن و قبح بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۵۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۵۳) و عاقل به شخصی گفته می شود که نفس خود را از هواپرستی باز داشته و کارش را سامان داده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۲۶). گوهر معنایی واژه عقل را هرگونه حبس، منع و گرفتگی می توان دانست. تعریف برگزیده عقل در اصطلاح لغت شناسان چنین آمده است: «نیروی ادراکی که به انسان و نفس ناطقه او اختصاص دارد و بوسیله آن می تواند حقایق را درک کند و به شناخت آنها دست یابد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۸).

برای عقل در علوم مختلف تعاریف گوناگونی در نظر گرفته شده است. فلاسفه باستان آن را به معنای چیزی دانسته اند که نفس، بوسیله آن فکر می کند و اعتقاد می یابد (ارسطو، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴). در علم اخلاق آن را حالتی دانسته اند که با مواظبت بر اعتقادات و رفتار، در نفس پدید آمده و سبب ایجاد توان بر استنباط بایدها و نبایدهای اخلاقی می شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲۶). متکلمان نیز آن را علم به بدیهیات، مسلمات و مشهورات دانسته اند (غزالی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۸۵). عموم مردم نیز عقل را به معنای ادراکاتی می دانند که از تجارب در امور دنیایی به دست می آید (همان).

بر اساس برخی از آموزه های دین، عقل در سه معنای مبدأ ادراکات بشر، اندیشه ورزی و نیروی تشخیص خوب و بد به کار می رود. پس مفهوم عقل، افزون بر بدیهیات عمومی شامل باورها، مقبولات و مسلمات کلی نزد همه انسان های عاقل خواهد بود که به

واسطه آن علم قطعی به حکم شرعی حاصل می‌گردد (ری شهری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۷۴). و با استفاده از حکم این سنجه می‌توان اعتبار احادیث را سنجید.

تعریف برگزیده از معیار عقل در قامت سنجه‌ای برای نقد حدیث، گوهری فطری و خدادادی در وجود همه آدمیان است که برای ترازیدن حدیث، گاه از بدیهیات بهره می‌گیرد گاه از برهان‌هایی با ماده و صورت برآمده از عقل.

عقل از منظر کارکرد و قلمرو کنش‌گری در سپهرهای گوناگونی قابل ارزیابی است. در سپهر وجود شناختی، به دو رده طبعی و تجربی قابل افراز بوده و در گستره معرفت شناختی، عقل انسانی به کاربست آن در علوم الهی و علوم بشری توجه می‌شود (ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۷؛ اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۹۴). برخی دانشوران، منابع ادراک عقلی را به سه دسته حس و تجربه، امور بدیهی و براهین نظری تقسیم کرده‌اند (صدر، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷). در این تقسیم‌بندی، بداهت عقلانی و برهان را می‌توان از گونه‌های عقلانی معیارهای نقد حدیث شمرد. اما حس و تجربه را نمی‌توان معیاری با ماده اولیه برآمده از عقل برشمرد؛ چراکه هریک، گونه‌ای از منابع شناختی بشر شمرده می‌شوند. به دیگر سخن، تعقل اگر بر مواد و مبانی عقلی استوار باشد، آن را مستقلات عقلیه نامند و اگر بر مواد و حیانی، نقلی، تجربی، شهودی و حسی استوار گردد از گونه غیر مستقلات عقلیه خواهد بود. هرگونه ملازمات عقلی نیز، در حوزه غیر مستقلات عقلیه قرار دارند.

۲-۲. نقد محتوایی

منظور از نقد محتوایی حدیث، بررسی و ارزیابی متن حدیث بدون توجه به سند و ویژگی‌های آن است. معیارهای اعتبارسنجی متن حدیث، نزد دانشوران مسلمان یکسان نیست. موافقت با قرآن، مخالفت با عامه، موافقت با اجماع و نظر دانشمندان، نزد عده‌ای کافی دانسته شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۸). و برخی تنها، سه معیار مخالفت با محکّمات و نصوص بعد از شناخت ناسخ و منسوخ، موافقت با عامه و مخالفت با اجماع را مایه مرجوحیت حدیث می‌شمرند (بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۱). درحالی که عده‌ای

تا ۱۹ عنوان برای پالایش حدیث و شناخت حدیث موضوع معرفی کرده‌اند (الجوزیه، ۱۹۷۰، ص ۵۰-۱۰۴). البته بسیاری از این سنجه‌ها، مصادیقی هستند که توان نقش آفرینی در قامت معیاری مستقل را ندارند.

این معیارها در کتب حدیث پژوهان با عناوینی مانند «مقایس نقد متون السنه»، «منهج نقد المتن»، «ضوابط معرفة الاحادیث الموضوع» و «منهج تخریج حدیث الموضوع» و در کتب اصولیان در دو موضوع «شرایط عمل به اخبار آحاد» و «مرجحات باب تعارض» بر شمرده شده‌اند. در یک دسته بندی کلی، معیارهای نقد متن را می‌توان به دو دسته معیارهای لَبّی و معیارهای نقلی تقسیم کرد. عرضه حدیث به قرآن، سنت، نظرات مخالفین مذهب (شیعه) و تاریخ در رده سنجه‌های نقلی قابل ارزیابی است. وپالودن حدیث از طریق عرضه به اجماع، دستاوردهای علمی و تجربی، حس و مشاهده و نیز دلایل عقلی در رده سنجه‌های لَبّی قرار می‌گیرد.

۲-۳. اقوال علماء درباره این قاعده و شناخت معیار آن

سنجه عقل در پالایش احادیث هم نزد اصولیان معتبر شمرده می‌شود هم در باور محدثان. این معیار با عباراتی چون «دلیل عقلی» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۳)، «خرد پرتو گرفته از قرآن و سنت» (ادلبی، ۱۴۰۳، ص ۳۰۴)، «عقل سلیم» (همان)، «عقل حصیف» (سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۴۵)، «موجبات العقول» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۱)، «حجت ضروری عقل» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۱۸)، «بدیهه الفطره» (معرفت، ۱۴۱۹ الف، ج ۲، ص ۵۱)، «عقل رشد یافته و حکم استوار» (معرفت، ۱۴۱۹ اب، ج ۱، ص ۲۵۹) و «عقل» (حاج حسن، ۱۹۷۵، ص ۳۴۵) بیان شده است. یکی از دانشوران معاصر چنین می‌نگارد: «مراد از عقل درین معیار، روش‌ها و استدلال‌هایی که تنها حکماء به کار می‌برند نیست، بلکه مراد از عقل، آن چیزی است که همه عاقلان بر آن اتفاق نظر دارند مانند نیازمندی هر پدیده به علت، امتناع دور و تسلسل، قبح ظلم و حسن عدل» (سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۶۱).

عموم بهره‌وران از این قاعده، هرگونه عقل‌ابزاری و تعقل‌ورزی مانند کشف ملازمات بین و غیرین دلالت‌های یک حدیث را در زمره نقد حدیث با معیار عقل شمرده‌اند (طباطبایی، محمدکاظم، ۱۳۹۰، ص ۶۵۴؛ نصیری، ۱۳۹۰، ص ۵۱۵). البته برخی نیز به تفاوت استفاده از عقل در قامت ابزار و سنجه بودن مستقل عقل در پالودن احادیث توجه کرده‌اند (الدینی، ۱۴۰۴، ص ۹۷) ولی از بیان گونه‌های این سنجه غافل بوده و در ذکر نمونه‌های هر حوزه دچار خلط شده‌اند.

۴-۲. دیدگاه برگزیده درباره مدلول قاعده

نیک روشن است تعقل‌ورزی مایه مشترک همه معیارهای پالودن حدیث شمرده می‌شود. در این معنا، عقل در قامت یک ابزار در خدمت نقد حدیث خواهد بود. بر این اساس، عقل‌ابزاری را نمی‌توان بالجمله، معیاری مستقل برای نقد حدیث دانست. با این توضیحات روشن خواهد شد که بهره از عقل در نقد حدیث در دو شکل‌ابزاری (روشی) یا مستقل، متصور خواهد بود. ماده اولیه بهره‌ابزاری از عقل، خود به دو نوع مواد برآمده از عقل یا نقل تقسیم می‌شود.

به دیگر سخن، سنجه‌ای را می‌توان در حوزه عقل مستقل معرفی کرد که هم ماده اولیه استدلال در آن و هم روش استنباط و استنتاج آن تنها برآمده از عقل باشد. پس اگر ماده اولیه استنباط، بر گزاره‌های نقلی، حسّی و تجربی استوار باشد؛ نمی‌توان آن را در حوزه سنجه عقل قرار داد. هر چند در استنباط از همه مواد اولیه گوناگون، از عقل به عنوان یک ابزار بهره برده می‌شود. مثلاً در نقد روایاتی مانند نامه‌نگاری پیامبر به هرقل (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۰) که سبب نزول آیه ۶۵ سوره آل عمران را دعوت پیامبر از سلطان روم می‌داند؛ ماده اولیه استدلال، گزاره‌ای تاریخی است. بر اساس این گزارش تاریخی، دعوت پیامبر اسلام از مسیحیان نجران پس از سال نهم واقع شده و آیه فوق در همان زمان نازل شد و نیز نامه‌نگاری پیامبر خدا به پادشاهان کشورها در سال ششم رخ داده است. مقایسه این دو ماده اولیه، با بهره‌گیری از عقل، سبب رفوزش محتوای روایت نخستین خواهد شد. برخی

پژوهشگران، این نحوه استدلال را در شمار نمونه های بهره از عقل در نقد روایات یاد کرده اند (نفیسی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۱). حال آنکه، عقل در روند این نقد، تنها در قامت ابزاری به کار می آید. چون ماده اولیه استدلال، گزاره تاریخی است نه برآمده از عقل مستقل.

نمونه ای دیگر از استدلال عقلانی بر اساس ماده اولیه غیر عقلی، نقد علامه طباطبایی در روایات مربوط به ویژگی های ناقه حضرت صالح است. در این روایات فاصله دو پهلوی این شتر، یک میل بیان شده است. ایشان معتقد است این روایات بدان جهت نادر ستند که کوهان چنین شتری باید ۶ میل باشد و محال است که کسی بتواند او را با شمشیر به قتل برساند (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۱۷). بر خلاف نظر برخی از پژوهشگران که این نقد را بهره از معیار عقل شمرده ان (نفیسی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۳)، ماده اولیه این استدلال برآمده از حس و تجربه است. چراکه که عادتاً ارتفاع کوهان این شترها از زمین، ۶ برابر فاصله بین دو پهلوی او است. و این امر در طبیعت، محسوس است نه اینکه گزاره ای بدیهی، عقلی و تخلف ناپذیر باشد.

۵-۲. دلایل حجیت این قاعده

حجیت دلیل عقلی، بر اساس گرفتار نیامدن در اشکال دور، ذاتی شمرده می شود. اما مهمترین دلیل حجیت قاعده عرضة حدیث به عقل، دلیلی عقلی است. تلازم میان حکم حقیقی شرع و رهنمایی عقل، دلیلی عقلانی بر حجیت قاعده خواهد بود، چرا که عقل، حجت باطنی و معصومان، حجت ظاهری هستند و در راهنمایی بشر دچار تعارض نخواهند شد. چون تعارض ذاتی میان دو حجیت، به حکم عقل محال است. هم چنین حجیت بنیان های دینی چون توحید، نبوت و معاد در اثر تزلزل حجیت عقل ناستوار خواهد شد. بنابراین، روایات قطعی الصدور به هیچ روی نمی توانند مخالف حکم عقل باشند. (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۱۸).

افزون بر این دلیل، از روایاتی می‌توان در مقام تأیید و پشتیبانی این قاعده سود جست. از جمله اخباری مانند روایت نبوی «إِذَا أَتَاكُمْ عَنِّي حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ وَحُجَّةَ عَقُولِكُمْ؛ هرگاه حدیثی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و حجت عقل‌های خود عرضه کنید» (رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۶۸).

۶-۲. گستره حجیت قاعده عرضه به عقل

ادراک عقلی به دو گونه ادراکات کامل و ادراکات ناقص ظنی تقسیم می‌شود. قسم اول سبب یقین و علم می‌شود، مانند امتناع اجتماع ضدین. قسم دوم تنها سبب گونه‌ای ترجیح، تقویت و تفضیل گزاره‌ای می‌شود که در آن احتمال خطا و اشتباه وجود دارد. قسم دوم معتبر نیست و در سنجش احادیث کاربردی ندارد. بر این اساس در غالب موارد احکام شرعی عقل راهی به آن ندارد، مانند وجوب روزه ماه مبارک رمضان و حرمت روزه عید فطر و عید قربان و در مقابل برخی از احکام شرعی را عقل درک می‌کند مانند حرمت قتل، حرمت سرقت و غضب اموال مردم. در مسائل اعتقادی نیز در اصول بنیادی اعتقادی مانند اعتقاد به وجود خداوند، حیات، یکتایی، علم و قدرت او، ضرورت معاد و اصل اثبات نبوت، عقل مستقلاً قادر به ادراک آن است و اما در مسائل جزئی اعتقادی، مانند کیفیت اراده خداوند، رازقیت، خالقیت و سایر صفات فعل خداوند و تفصیل صفات نبی و تفصیل معاد، مانند کیفیت حشر، چگونگی سوال در قبر، عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن و.... عقل راهی به درک آن ندارد. پاره‌ای روایات نیز به موضوع ناتوانی روشهای عقلی در کشف برخی احکام اشاره دارند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۸۴). برای نمونه، اخبار دربردارنده مسائلی چون خاتمیت پیامبر اسلام، خصوصیات عالم برزخ و قیامت، شفاعت، وجود کنونی بهشت و دوزخ، توقیفی بودن اسامی پروردگار توسط عقل قابل ارزیابی نیستند و به ارشاد نقل نیازمندند.

کاربست عباراتی مانند «فلا طریق الی العلم به الا السمع» و «أنَّ العقل لا مدخل فیه» (علم الهدی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۴، ص ۳۴۵) نمونه‌ای از توجه دانشوران آگاه امامی به

قلمرو توان عقل در فهم و نقد احادیث است. بنابراین بهره‌وری از سنجه عقل در پالودن برخی احادیث ناروا خواهد بود، چرا که عقل را یارای فهم و ترازیدن موضوعات خارج از قلمرو شناختی خویش نیست. به دیگر سخن، نیافتن دلیل عقلی برای اثبات یک حدیث، به معنای مخالفت حدیث با حکم عقل نیست، بنا بر مدلول برخی روایات (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۸۹) نمی‌توان نیافتن دلیل عقلی بر دلالت حدیثی را مایه انکار آن دانست.

۳. گونه‌شناسی کاربری این قاعده

شناسایی گونه‌های مختلف بهره‌وری از عقل مستقل در نقد روایات، به منطقی شدن فرآیند نقد حدیث یاری خواهد رساند. از همین رو، در این بخش پس از تعریف هر یک از گونه‌ها، نمونه‌های حدیثی متناسب در بهره‌وری از این گونه‌ها به نقد کشیده شده‌اند.

۱-۳. عرضه به بناء عقلاء

در تعریف بناء عقلاء دو رویکرد در نظرگاه دانشوران وجود دارد. نظرگاه اول، بناء عقلاء را رویه یا روشی می‌داند که همه خردمندان در تمامی دوره‌ها بدان مبادرت دارند (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۲). دیدگاه دوم که بیشتر در میان متأخران رایج است، تحقق عمومیت ازمائی آن روش را لازم نمی‌داند، مانند مشروعیت حق بیمه و معاملات معاطاتی که با بناء عقلاء حجیت می‌یابند، حال آنکه در گذشته مطرح نبوده‌اند (خویی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۳۱). در نقد تعاریف پیش گفته روشن است که، مفاهیمی چون رویه یا روش، ناظر به بیان سیره هستند نه بناء. از دیگر سو با توجه به پیدایش موارد جدید در موضوعات، به نظر می‌رسد بناء عقلاء را اینگونه می‌توان تعریف کرد: «مجموعه اصول ارتکازی و عملی که خردمندان در هر زمانی در مواجهه با موضوعی واحد بر اساس آن حکم می‌کنند. خواه این اصول، شکل بیرونی به خود نگرفته باشند». براین اساس، نیازی نیست که لزوماً بناء عقلاء در قامت سیره و سلوک عملی جاری گردد و تنها زمانی عملی خواهد شد که موضوع آن

در عالم خارج محقق گردد. هم چنین الزامی نیست که بناء عقلاء مستند به زمان شارع باشد، چرا که برخی موضوعات در دوره‌های بعدی پیدا می‌شوند و از پشتوانه اتفاق خردمندان بر حکم آنها برخوردار هستند.

برای نمونه، بناء عقلاء براین است که هر چیز دارای منفعت حلال عقلانی را می‌توان در یکی از عقود، معامله کرد. هم چنین هر چیزی که از نظر عقلاء مال به حساب آید می‌تواند مبیع قرار بگیرد (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۷۵). یا هر عمل حلال عقلانی می‌تواند موضوع عقد جعاله قرار گیرد. براین اساس خرید و فروش نطفه مرد و زن یا خون، در زمانهای گذشته، منفعت حلال در بر نداشت اما امروزه عقلاء برای آن منفعت عقلایی حلال در نظر می‌گیرند. ازینرو، بیع آن به حکم بناء عقلاء جایز خواهد بود. مواردی ازین دست با بناء عقلاء سنجیده می‌شوند هرچند ممکن است مصادیق آن نوپیدا باشند یا در آینده پیدا شوند. بنابر تعریف مختار که عنصر زمان و مکان را به نحو عموم موثر ندانستیم بلکه مواجهه عقلاء با موضوعی واحد در هر زمان را ملاک می‌دانیم، بناء عقلاء فطری بوده و نیازی به عدم ردع شارع برای حجیت ندارد، چراکه نظر شارع همسو با فطرت است.

بازگشت بناء عقلاء به حکم عقل سبب می‌شود که آنرا در قامت یکی از سنجه‌های اعتبارسنجی عقلی حدیث ارزیابی کنیم. بناء عقلاء یا برآمده از امور بدیهی است یا به حکم برهان‌های عقلی. بر این اساس دیدگاه خردمندان در تحسین و تقبیح عقلی واحد بوده و مخالفت شارع با آن معقول نخواهد بود.

مشهور دانشوران معتقدند حجیت بناء عقلاء تنها با امضاء شارع یا حداقل عدم ردع از طرف او منعقد می‌شود (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۳۸؛ روحانی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۳۳) و این عدم ردع را نیز تنها در عصر معصومین معتبر می‌دانند. در مقابل عده‌ای معتقدند که بنائات عقلایی هم سو با ضروریات نظام اجتماعی نیازی به تأیید شارع ندارد (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۱). بر اساس مبنای دوم، امضاء شارع در مصداقی خاص از بناء عقلاء به معنای امضای ملاک و طبیعت عقلایی آن است نه صرفاً پذیرش یک روش خارجی (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۴۶).

در برخی مباحث دانش اصول چون حجیت ظواهر، قبح عقاب بدون بیان، و جوب تعلم، و جوب جستجو برای شخص ناآگاه به احکام، و جوب دفع زیان احتمالی و حجیت خبر واحد، بناء عقلاء مهم‌ترین دلیل اثبات این گزاره‌ها خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۹، ص ۶۸، ۱۳۶۵، ۲۰۲، ۲۷۵، ۴۶۰، ۵۱۴، ۵۲۶). در حوزه فقه نیز مباحثی مانند لزوم تقلید از مجتهد، شرطیت عقل برای او، مشروعیت معاملات متداول میان مردم، عدم انحصار معاملات در عقود معین شده در شرع، لزوم تساوی عوضین در ارزشمندی و ضمان داشتن نسبت به مقبوض به عقد فاسد مواردی هستند که به سیره عقلاء استوارند (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۳۳؛ خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۶؛ بروجردی، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۱).

نمونه حدیثی

علامه طباطبایی دلالت روایت «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۹) بر ذاتی بودن گمراهی یا سعادت در وجود آدمی را خلاف بناء عقلاء می‌داند، چرا که خردمندان بر اثربخشی تعلیم و تربیت بر هدایت و سعادت آدمی اتفاق نظر دارند. و اگر چنین نباشد، فرستادن شرایع، کتب آسمانی و پیامبران بی ثمر و لغو خواهد بود (۱۳۹۰، ج ۸، ص ۹۶).
 رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۳. عرضه به سیره عقلاء

سیره عبارت است از تکرار و استمرار روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک عملی واحد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۷۳) که دارای سه ویژگی ذیل باشد: عدم اختصاص به زبان، نژاد یا دینی ویژه؛ استناد و اتکاء به عقل و نیز فقدان رویه عقلایی مخالف. سیره، گاهی به مسلمانان به جهت اسلامشان نسبت داده می‌شود و گاه به عقلاء ازین جهت که عاقلند. اولی را سیره متشرعه و دومی را سیره عقلاء می‌نامند (مظفر،

۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۳؛ عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۸). به نظر می‌آید دلیل ترجیح روایات معمولاً بها در تعارض روایات، استناد آن به سیره متشرعه باشد.

سیره عقلاء همان بناء عقلایی است که از عمل و سلوک خردمندان بدست می‌آید. حجیت بسیاری از قواعد فقهی و اصولی مانند قاعده ید، اصل لزوم در قرار دادها، اصل صحت، حجیت ظواهر سخن، اصالة الحقیقه و اصالة العموم از سیره عقلاء نشأت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۸۲؛ خویی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۹۷).

سیره متشرعه، سلوک و رفتار عمومی دوره تشریح یا زمانهای نزدیک به آن است. این رفتار عمومی، نشانه‌ای از صدور حکم شرعی است که به دست ما نرسیده است. سیره عقلاء، زاده طبیعت عقلایی بوده و کاشف از بیان شارع شمرده نمی‌شود، در حالیکه سیره متشرعه محصول بیان شرعی است و عدم ردع آن معنا ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۳۶).

حجیت سیره عقلاء بدین جهت است که پروردگار متعال در مقام قانون‌گذاری، روش‌های خردمندان در جوامع انسانی را تأیید می‌کند و اساس احکام و قوانین عقلایی را با قوانین شرعی یکسان می‌داند (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۵). نمونه‌های فراوان از این تأیید را در آیات قرآن می‌توان جست (ر. ک: نجل: ۹۰؛ اعراف: ۲۸؛ بقره، ۲۷۱)

مشهور دانشمندان اصولی معتقدند سیره عقلاء تا زمانی ارزشمند است که با مخالفتی از ناحیه شارع روبرو نشود. این گروه برای اثبات باور خود به مخالفت قرآن با حکم عقلانی بهره‌برداری از سرمایه به شکل ربا استناد کرده‌اند (بقره: ۲۷۵). و جعل احکامی چون حرمت ربا را خارج از گستره شناخت عقل دانسته‌اند (طباطبایی، محمد کاظم، ۱۳۹۰، ص ۶۰۱).

اما این استدلال مبتلا به اشکال است. به این بیان که عقلاء به بهره‌وری از سرمایه حکم می‌کنند اما هرگز به تضمین قطعی پرداخت مازاد سرمایه در مقابل دریافت سرمایه از دیگری حکم نمی‌کنند، چرا که تجارت با سود و زیان همراه است و سیره عقلاء این است که برای امر محتمل، وعده تحقق یقینی نمی‌دهند. پس تضمین ابتدایی مازاد سرمایه، امری

غیر عقلانی شمرده می‌شود و دستور قرآن به حرمت ربا موافق این حکم عقلانی است نه مخالف آن.

با این تعریف، رابطه میان بناء عقلاء و سیره عقلاء عام و خاص مطلق خواهد بود، چرا که بناء عقلاء هم می‌تواند در مرتکرات عقلاء نهفته باشد و هم در روش عملی زیست ایشان. ولی سیره عقلاء، تنها رویه‌هایی هستند که نمود خارجی داشته و در عالم ماده قابل درک هستند.

هم چنین سیره عقلاء را یکی از مصادیق خاص حکم عرفی می‌توان بر شمرد. عرف در لغت به معنای اتصال، پی در پی بودن، خوی، عادت و امری متداول بین مردم آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۸۱). در اصطلاح، عادت است که زمانی طولانی میان مردم مرسوم بوده و به الزامی بودن آن معتقد شده باشند (سبحانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۵). پدید آمدن عرف به یکی از عوامل ذیل وابسته است: عواطف و احساسات، تقلید از تعالیم گذشتگان، قدرت و غلبه پیشوایان سیاسی، اجتماعی و دینی و یا حکم عقل. عرفی که برآمده که از حکم عقل باشد می‌تواند در قامت یکی از سنجه‌های نقد حدیث نقش آفرین باشد.

عرف را به اعتبار دایره شمول آن به عام و خاص و نیز به اعتبار تطابق آن با شرع، به صحیح و فاسد تقسیم می‌کنند. عرف خاص، در اثر رابطه و ویژگی‌های مشترک گروهی از مردم پدید می‌آید. عرف عام، رویه‌ای است که از مشارکت عموم یا اغلب مردم حاصل شده و نزدیکترین نهاد به سیره عقلاست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۷۳). برای نمونه نوع خاصی از عزاداری و شادمانی و نیز تعیین جزییات جهیزیه وابسته به عرف خاص در زمان یا مکانی مشخص است که لزوماً نمی‌توان آن را برآمده از دلایل عقلی دانست.

عرف صحیح نیز برآمده از حکم عقلی بوده و با قانون شرعی مخالفتی نداشته و سبب تفویت مصلحت یا الغاء در مفسده نمی‌شود. این گونه از عرف با سیره عقلاء هم‌تراز خواهد بود. اعمال رایج میان عده‌ای از مردم که شرع با آن مخالف است، عرف فاسد خوانده

می‌شود مانند قمار. رابطه عرف و بناء عقلاء عموم و خصوص من وجه است، چه اینکه عرف ناشی از اراده و اختیار است ولی بناء عقلاء ممکن است غیر ارادی و برخاسته از فطرت باشد. و نیز بناء عقلاء همیشه ممدوح است بر خلاف عرف.

بنابر نظر فقهاء، احراز و شناخت دقیق موضوع احکام منوط به نظر عرف است (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۶۵؛ ج ۹، ص ۵۸۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۳۴). شهید اول با عبارت «يجوز تغیر الاحکام بتغییر العادات» فصلی را درباره تغییر حکم حاصل از دلایل نقلی به علت تغییر عرف گشوده است (مکی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۸۸). از آنجا که یکی از جلوه‌های رای عرف، سیره عقلاست، این سنجه را می‌توان در شمار گونه‌های عرضه حدیث به عقل بر شمرد. نیک روشن است که احکام بر آمده از احادیث را باید در ظرف زمانی عرف خویش، یعنی عصر صدور در نظر داشت. گرچه ممکن است مناط و حکمت برخی احادیث، قابل جریان در همه عرف‌ها باشد.

نمونه حدیثی

بسیاری از فقیهان، روایت «كُلُّ مَجْهُولٍ فِيهِ الْقُرْعَةُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۳۲۵) را به دلیل نامعقول بودن تخصیص فراوان حجت نمی‌دانند، ولی امام خمینی مضمون آن را موافق روش عقلاء در زندگی می‌داند، چه این که خردمندان، برای رفع تخصصم به قرعه روی می‌آورند که شارع هم آن را تأیید کرده است (خمینی، بی تا، ص ۳۹۶)

استاد معرفت روایات در زمینه ضرورت بیعت و حرمت نقض عهد با امام وقت مانند روایت نبوی «ثَلَاثٌ مُوبِقَاتٌ: نَكْتُ الصَّفَقَةَ وَ تَرَكُّ السُّنَّةِ وَ فِرَاقُ الْجَمَاعَةِ؛ سه چیز موجب هلاکت است: نقض بیعت، ترک سنت، جدا شدن از جماعت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۶) را دال بر واجبی می‌داند که سیره عقلاء ضرورت آن را ایجاب می‌کند (معرفت، ۱۳۷۷، ص ۸۸).

منظور از حکم عقل، مفهومی است که عقل به گونه‌ای مستقل می‌تواند به آن رهنمون شود. بر این اساس، برخی دانشوران، دریافتن حسن و قبح پدیده‌ها را حکمی عقلی می‌دانند نه عقلانی، چرا که حسن عدل و قبح ظلم را خود عقل درک می‌کند هرچند مجموعه‌ای از عقلاء وجود نداشته باشند (سبحانی، ۱۴۱۵، ص ۳۳). تفاوت حکم عقل و سیره عقلاء درین است که حکم عقل لزوماً با حوزه عمل مرتبط نیست ولی سیره عقلاء از روشهای عملی بدست می‌آید. افزون بر این در حصول سیره، تکرار عمل به گونه‌ای روشمند مدنظر است در حالیکه حکم عقل چنین نیست. حکم عقل با بناء عقلاء نیز متفاوت است. چه اینکه بناء عقلاء در حوزه امورات روزمره زندگی آدمی کارکرد دارد. ولی اموراتی خارج ازین موضوع مانند نبوت با حکم عقلی سنجیده می‌شود. شاید بتوان گفت رابطه حکم عقل و بناء عقلاء عموم و خصوص مطلق است.

مفاهیمی مانند عقل سلیم و عقل رشید در عبارات علماء، درین معیار قابل ارزیابی هستند (معرفت، ۱۴۲۹ الف، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ۱۴۲۹ ب، ج ۲، ص ۲۸۲). استاد معرفت برای پالودن روایات، عرضه حدیث به فطرت و طبع را معطوف به حکم عقل شمرده و گاهی همه را در یک مفهوم ارزیابی می‌کند (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۰۸، ۳۹۸، ۴۵۵)

نمونه حدیثی

نقد روایات مشهور به غرانیق (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۶۶) با سنجه عقل، منجر به رفوزش آنها خواهد شد. زیرا عقل بالاستقلال حکم می‌کند که تا خداوند خرد کسی را کامل نکند، وی را به نبوت بر نمی‌گزیند (معرفت، ۱۴۲۹ ب، ج ۱، ص ۱۱۱). توجه شود که این حکم، بناء عقلاء نیست بلکه حکم عقل مستقل است.

هم چنین روایات دال بر وجود آیات ادعایی رجم و رضاع (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۵) مخالف عقل سلیم شمرده شده است، چرا که بر اساس این روایات، این آیات در مصحفی نگاشته شده بود و در زیر بستر عایشه قرار داشت. روزی یک حیوان خانگی

بخش‌هایی ازین مصحف که در بردارنده آن آیات بود را خورد! مخالفت این واقعه با عقل بدان جهت است که هیچ کسی جز عایشه مدعی وجود چنین آیاتی در قرآن نبوده است. چرا که بی اطلاعی سایر مسلمانان از وجود چنین آیاتی و نیز حکم آن، امری خلاف حکم عقل است. و عجیب‌تر آنکه آن حیوان خانگی هم تنها آن آیات را خورده و بخش‌های دیگر آن مصحف سالم مانده است! این گزاره‌ها در محاسبات عقلی، احتمالی معنا دار نداشته و قابل پذیرش برای خرد نخواهند بود.

۱-۳-۳. معرفی چند شاخصه در متن حدیث برای کشف مخالفت حدیث با حکم عقل

اشتمال حدیث بر امر محال و گزافه‌گویی و امور عجیب و غریب، نشانه‌هایی در متن حدیث هستند که حدیث‌پژوه را به سمت کشف مخالفت حدیث با حکم عقل رهنمون می‌شوند. اشتمال حدیث بر امر محال، که به عنوان یکی از معیارهای رد حدیث مطرح شده نیز نتیجه‌ای از عرضه حدیث بر عقل محسوب می‌شود. ازیرو نمی‌تواند در قامت سنجه‌ای مستقل نقش آفرین باشد. این معیار با عناوینی چون «گزافه‌هایی که از سخن عقلاء به دور است» (حاج حسن، ۱۹۷۵، ص ۳۴۶) و «اشتمال حدیث بر امر منکر و مستحیل» (بیهقی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۸) نام‌گذاری شده است. مراد از امر مستحیل، امری است که از قدرت الهی خارج باشد نه امر محال برای بشر (دمینی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۱).

برای نمونه ظاهر روایت «إِنَّ الَّذِي قَدَرَ أَنْ يَدْخُلَ الَّذِي تَرَاهُ الْعَدَسَةَ أَوْ أَقَلَّ مِنْهَا قَادِرٌ أَنْ يَدْخُلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا الْبَيْضَةَ لَا يُصَغَّرُ الدُّنْيَا وَلَا يُكَبَّرُ الْبَيْضَةُ؛ آن که توانست آنچه را تو می‌بینی در یک عدس یا کوچکتر از آن درآرد می‌تواند همه دنیا را در یک تخم مرغ داخل کند بی آنکه دنیا را کوچک و یا تخم را بزرگ کند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹۵) مشتمل بر امر محالی است که هرگز اقتضاء وجود نمی‌یابد. سید مرتضی درباره این روایت می‌نویسد: «این حدیث، که در کتاب‌های شیعه و مخالفان ما نقل شده، دارای خطا و بخش‌های باطل است... بنابراین، باید با عرضه بر عقل سنجیده شود و چنانچه تسلیم عقل باشد، بر معیارهای

صحیح قرآنی عرضه می شود و اگر تسلیم آنها باشد، حق است و راوی آن راستگو» (علم الهدی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۰۹).

۳-۴. عرضه به منطق

منطق، ابزاری است که مراعات کردن و به کارگیری اصول و ضوابط آن ذهن را از اشتباه در تفکر و اندیشه باز می دارد. مخالفت حدیث با منطق نیز یکی از معیارهای نقد حدیث شمرده می شود. مراد از منطق به عنوان یکی از گونه های عقلانی اعتبارسنجی حدیث، مفهومی اخص از دانش منطق به معنای روش عقلانی مبتنی بر مواد اولیه صرفاً عقلانی است. پس، هم گونه های برهان عقلی و هم بدیهیات زیر مجموعه این معیار خواهند بود. درباره این معیار چنین گفته شده: «کل حدیث یمجه العقل و یخالف المنطق نسبته الی الرسول (ص) زور و بهتان» (حاج حسن، ۱۹۷۵، ص ۳۳۱) هر حدیثی که عقل آن را پس می زند و با منطق ناسازگار است نسبتش به پیامبر (ص) بهتان است. درین نمونه ها شایسته است که معروض^۴ علیه منتسب به منطق، به درستی شناخته شوند. به نظر می رسد بدیهیات و براهین دو ستون از ساختمان عرضه حدیث به منطق خواهند بود که سایر سنجه های منطقی بر آنها استوارند.

۳-۴-۱. عرضه به بدیهیات

بداهت در لغت به معنای آغاز به کاری، ابتدا تا و ناگهانی بر کسی وارد آمدن، و نیز آشکاربودن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۲). در اصطلاح علم منطق نیز، مفاهیمی که به سبب بساطت و شناخته شده بودن، حصول آنها متوقف بر کسب، نظر و تعریف حدی یا رسمی نباشد، بدیهی خوانده می شوند. این مفاهیم بی واسطه در ذهن قابل درک هستند (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۳). فطرت و خرد همه آدمیان به صحت این مفاهیم گواهی می دهد و هیچ کسی در هیچ زمانی، در استواری و

درستی آنها تردید نمی‌کند. در علم منطق واژگان ضروری، اولی و بدیهی مرادف با یکدیگر شمرده می‌شوند.

تصدیقات بدیهی عبارتند از اولیات، مشاهدات، وجدانیات، فطریات، تجریات و متواترات. مراد از عرضه حدیث به بدیهیات عقلی، عرضه به مفاهیمی است که عقل آنها را بدیهی می‌یابد و تنها اولیات منطقی را شامل می‌شود. بدیهیات دیگری مانند حس، تجربه و مشهورات، معیارهای مستقلی هستند که در حوزه عقل مستقل قابل ارزیابی نبوده و ضوابط عرضه حدیث به آنها با ضوابط نقد محتوایی بر اساس عقل مستقل تفاوت دارد. دانشوران حدیث پژوه ازین معیار با عنوان «بدیهیات عقول» یاد کرده و حدیث مخالف با آن را «باطل» فی نفسه» نامیده‌اند (معرفت، ۱۴۲۹ ب، ج ۱، ص ۲۵۹؛ السباعی، ۱۹۷۶، ص ۳۰۱؛ ادلی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۸)

نمونه حدیثی

روایت مشتمل بر تعیین سعادت و شقاوت بجهت در شکم مادر «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَكَّلَ بِالرَّحِمِ مَلَكًا فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ نُطْفَئَهُ أَيُّ رَبِّ عَلَقَهُ أَيُّ رَبِّ مُضْغَةٍ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقْضِيَ خَلْقَهَا قَالَ يَقُولُ أَيُّ رَبِّ ذَكَرٌ أَوْ أُنْثَى شَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ فَمَا الرِّزْقُ فَمَا الْأَجَلُ قَالَ فَيَكْتُبُ كَذَلِكَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (ابن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۴۸۲) به جهت مخالفت با حکم بدیهی عقل درباره ناروا بودن مجازات فاعل بی‌اختیار و مجبور، ناروا شمرده می‌شود.

۲-۴-۳. عرضه به برهان

برهان مهارتی در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). مقدمات یقینی از منابع شناختی مانند حس، تجربه، منقولات و معقولات حاصل می‌آید. اگر تمامی مقدمات یقینی برآمده از عقل باشند می‌توان برهان را معیاری برای ارزیابی اعتبار حدیث از طریق عقل دانست.

نمونه حدیثی

روایت «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْفَرَسَ فَأَجْرَاهَا فَعَرَّقَتْ، ثُمَّ خَلَقَ نَفْسَهُ مِنْهَا» (بیهقی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲۹) بیانگر دور م‌صرح است، چراکه ممکن نیست خالق از مخلوق خود بوجود آمده باشد. ازینرو محدثان آن را جعلی دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۰۵). روایت «رَأَيْتُ رَبِّي جَعِدًا أَمْرَدَ عَلَيْهِ حُلَّةٌ خَضْرَاءُ» (بیهقی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۶۴) نیز به سبب محال بودن تجسیم خداوند و محال بودن صدور این سخن از پیامبر مردود خواهد بود (ابن جوزی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۲۵).

۴. ضرورت تأویل حدیث پیش از حکم به بی‌اعتباری آن

تأویل از ماده «أول» مصدر باب تفعیل به معنای رجوع و بازگشت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۹). در اصطلاح، تبیین مفهوم کلی پنهان در پس الفاظی است که دارای معانی مختلف است (معرفت، ۱۴۲۹ الف، ج ۱، ص ۳۰). وجود پیچیدگی‌هایی مانند چند وجهی بودن، مخفی بودن جهت صدور و نیز وجود مشابهات در خانواده‌هایی از روایات دلایلی بر الزام تأویل آنها شمرده می‌شوند. براین اساس حدیث پژوه وظیفه دارد تا بر متن حدیث تحفظ داشته و از بی‌اعتبار شمردن بدوی آن پیش از تأویل اجتناب ورزد (عکبری، ۱۴۱۳، ص ۱۴۹؛ ادلیبی، ۱۴۰۳، ص ۳۰۴).

پس از فرآیند اعتبارسنجی حدیث با عقل مستقل، اگر مخالفت متن حدیث با حکم عقلی احراز شد، نمی‌توان آنرا، حکم به بی‌اعتباری حدیث کرد. بلکه در این مرحله بهره‌وری از تأویل استوار بایسته است. مخالفت ظاهر روایت با حکم عقل، تنها سبب دست‌شستن از ظاهر آن خواهد شد. در نهایت، اگر راهی هم برای تأویل مناسب آن یافته نشود، باید حکم به بی‌اعتباری آن کرد (علم‌الهدی، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۳۵۰). دلایل حجیت این روش را از پاره‌ای روایات می‌توان جست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۸۷).

یکی از شاخصه‌های تأویل صحیح، موافقت آن با عقل و نقل یقینی شمرده شده است (معرفت، ۱۴۲۹ ب، ج ۳، ص ۳۳). علامه مجلسی پس از بحثی پر دامنه پیرامون روایات مربوط به اقالیم هفتگانه و دلیل زلزله می‌نویسد: «تأویل نصوص و اخبار بدون ضرورت عقلی یا معارض نقلی، گستاخی بر خداوند عزیز جبار است و در مواردی که عقل‌های ما بدان نرسید، علمش را به ائمه باز می‌گردانیم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۵۰).

۱-۴. نمونه‌ای از تأویل روایات مخالف حکم عقل

همانگونه که گفته رفت، پیش از حکم پایانی درباره اعتبار حدیث، تأویل آن بایسته می‌نماید. نقد شتابزده حدیث، بدون در نظر گرفتن تأویل آن، در پاره‌ای موارد، حکمی متفاوت از بهره از تأویل در مرحله پسین خواهد داشت. برای نمونه، بر اساس پاره‌ای روایات مانند «مَا يَمُوتُ مَوَالٍ لَنَا مَبْغُضٌ لَأَعْدَائِنَا إِلَّا وَيَحْضُرُهُ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَيَرَوْنَهُ وَ يَشْرَوْنَهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ مَوَالٍ لَنَا يَرَاهُمْ بِحَيْثُ يَسُوؤُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۸۱) معصومین بر بالین همه محتضرین حاضر می‌شوند. این روایت، در ظاهر با حکم عقل بر عدم حضور جسمانی در چند مکان، در زمانی واحد ناسازگار است.

سید مرتضی با تأویل این روایات، آنها را مخالف عقل نمی‌داند. وی معتقد است اگرچه از نظر عقل، حضور جسمانی در چند مکان در زمان واحد محال است، اما حضور معصومین بر بالین افراد در حال مرگ، به معنای در نظر آوردن بهره یا ضرر ناشی از پذیرش یا انکار ولایت معصومین در خاطر محتضر است (علم الهدی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۸۱).

روایت «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يُصَلِّي فَلَا يَبْصُقْ قَبْلَ وَجْهِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَبْلَ وَجْهِهِ إِذَا صَلَّى» (بيهقي، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۲۹۳) به علت مخالفت با حکم عقلانی عدم تجسم خداوند و نامحدود بودن پروردگار بی اعتبار شمرده شده است (طباطبایی، محمد کاظم، ۱۳۹۰، ص ۶۵۹). در حالیکه این روایت قابل تأویل بوده و مراد از مقابل پروردگار قرار گرفتن،

حضور در پیشگاه معنوی پروردگار در هنگامه نماز است. از دیگر سو، روایت در مقام آموختن یکی از آداب و بایسته‌های اخلاقی نماز خواندن است.

۵. نمونه‌ای از کاربرد نادرست قاعده

برخی حدیث‌پژوهان روایت «تُوْفِي رَسُوْلُ اللّٰهِ وَدَرِعُهُ مَرْهُوْنَةٌ عِنْدَ يَهُودِيٍّ بَثْلَاثِينَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۶۸) را از اخبار جعلی دانسته‌اند، چراکه معقول نیست فرد جنگاوری مانند پیامبر، ابزار دفاعی خود را در رهن شخصی یهودی بگذارد (فتحی دادی، ۲۰۱۵، ص ۶).

نیک روشن است این نحوه نقد حدیث را نمی‌توان عرصه به عقل دانست چراکه به حکم عقل بعید نیست هر جنگاوری دارای چند سپر باشد. افزون بر این، حتی اگر ایشان یک سپر داشته باشد در وقت حاجت مهمی مانند گرسنگی، به رهن گذاشتن آن موافق عقل خواهد بود. استدلال نادرست بالا، برآمده از یکی از روشهای نادرست معرفتی به نام انحصار‌گرایی روش‌شناختی است.

نتیجه‌گیری

هم‌سان‌پنداری کارکرد عقل به عنوان ابزار با نقش آن در قامت سنج‌های مستقل برای نقد حدیث، سبب شده تا سنج‌هایی چون تاریخ، علم، سنت قطعی و قواعد ادب عربی به عنوان معیارهای عقلانی نقد حدیث شمرده شوند. درین پژوهش پس از بیان این آسیب و تعریف هر یک دو حوزه پیش‌گفته، نتایج ذیل حاصل آمده است:

۱. مراد از معیار عقل برای اعتبارسنجی حدیث، سنج‌های است که هم مواد اولیه استدلال و هم روش آن برآمده از عقل مستقل باشد.
۲. گونه‌های سنج عقلانی عبارتند از: بناء عقلاء، سیره عقلاء، حکم عقل، عرف و منطق. درین دسته‌بندی رابطه‌ی بناء عقلاء و سیره عقلاء عموم و خصوص مطلق

- است. پیوند عرف و سیره عقلاء نیز همین گونه خواهد بود. هم چنین حکم عقل با شاخصه‌هایی چون اشتغال بر امر محال، اشتغال بر امور عجیب و گزافه‌گویی، شناخته می‌شود. گونه منطقی نیز به دو بخش بدیهیات و برهان تقسیم می‌شود. رابطه این دو گونه با سیره عقلاء، عموم و خصوص من وجه است.
۳. تعارض دلالت‌های حدیث با حکم قطعی عقل در هر یک از معیارهای پیش گفته، سبب رفوز حدیث خواهد شد، نه اینکه موافقت حدیث با عقل سبب حکم به صحت صدور آن شود.
۴. احادیث را باید به عرف، بناء عقلاء و سیره زمان صدورشان عرضه کرد نه سیره‌های زمان بعدی. تنها احکام برآمده از بدیهیات عقلی و برهان عقلی در هر زمانی ثابتند و می‌توان مفاد احادیث را به آنها عرضه کرد.
۵. تنها زمانی می‌توان به عدم اعتبار یک حدیث حکم کرد که حدیث به ظاهر مخالف با حکم عقل، قابل تأویل نباشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، جمال الدین بن علی، **الموضوعات**، مدینه المنوره، مکتبه السلفیه، ۱۹۶۶ق.
۲. ابن حنبل، احمد، **مسند**، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغه**، عبدالسلام هارون، قم، اول، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. ادلبی، صلاح الدین، **منهج النقد عند علماء الحدیث النبوی**، بیروت، دار الآفاق الجدیده، ۱۴۰۳ق.
۶. ارسطو، **در باره نفس**، علی مرادی، تهران، حکمت، ۱۳۷۹.
۷. اصفهانی، میرزا مهدی، **ابواب الهدی**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۸. اعرابی، غلامحسین و محمدی جولای، (۱۳۹۰ش)، «جایگاه و نقش عقل در نقد حدیث»،
ادبیات و علوم انسانی، پاییز و زمستان، صص ۱۱-۳۴
۹. آمدی، علی بن محمد، **الإحكام فی اصول الأحكام**، بیروت، دارالصمیعی، بی تا.
۱۰. انصاری، مرتضی، **فرائد الاصول**، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۱. بحرانی، یوسف، **الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۳۰ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، **الجامع الصحیح المختصر**، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۱۳. بروجردی، محمد تقی، **نهایه الافکار**، تقریر مباحث آغا ضیاء عراقی، قم، بی تا.
۱۴. بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الکبری و فی ذیله الجوهر النقی**، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف النظامیه الکائنه، ۱۳۴۴ق.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، **معرفة السنن و الآثار**، کراچی، جامعه الدراسات، ۱۴۱۲ق.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین، **الأسماء والصفات**، جدّه، مکتبه السوادی، ۱۴۱۳ق.
۱۷. جصاص، احمد بن علی، **الفصول فی الاصول**، کویت، وزاره الاوقاف، ۱۴۲۸ق.
۱۸. جوابی، محمد طاهر، **جهود المحدثین فی نقد متن الحدیث النبوی**، تونس، مؤسسه ع الکریم بن عبدالله، بی تا.
۱۹. الجوزیه، محمد بن ابی بکر، **المنار المنیف فی الصحیح والضعیف**، حلب، مکتبه المطبوعات الإسلامیه، ۱۹۷۰م.
۲۰. حاج حسن، حسین، **نقد الحدیث فی علم الروایه و الدرایه**، عبدالمجید ترکی، بیروت، بی تا، ۱۹۷۵م.
۲۱. حسین نژاد، سید مجتبی، (۱۳۹۲ش)، «تحلیل بنای عقلاء لا رویکردی بر مسائل مستحدثه»،
پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۳، صص ۳۵-۵۴.
۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **الفقیه و المتفقہ**، مکه، جامعه الم القری، ۱۴۱۷ق.
۲۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **الکفایه فی معرفه اصول علم الروایه**، قاهره، دارالهدی، ۲۰۰۳م.
۲۴. خمینی، سید روح الله، **الاستصحاب**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)، بی تا.

۲۵. خمینی، سید روح الله، **الرسائل**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)، ۱۳۸۵.
۲۶. خمینی، سید روح الله، **کتاب البیع**، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)، ۱۴۲۱ق.
۲۷. خویی، سید ابوالقاسم، **محاضرات فی اصول الفقه**، نجف، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۲۸. خویی، سید ابوالقاسم، **منهاج الصالحین**، نجف، بی نا، ۱۳۹۷.
۲۹. دمیعی، مسفر عزم الله، **مقایس نقد متون السنه**، ریاض، بی نا، ۱۴۰۴ق.
۳۰. رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان فی تفهیر القرآن**، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات فی الفاظ القرآن**، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۲. روحانی، سید محمد، **منتقى الاصول**، دفتر آیه الله سید محمد حسینی روحانی، ۱۴۱۳ق.
۳۳. ری شهری، محمد، **دانشنامه عقاید اسلامی**، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۳۴. ری شهری، محمد، **شناخت نامه حدیث**، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۸.
۳۵. سباعی، مصطفی، **السنه و مکاتبتها فی التشریح الاسلامی**، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۷۶م.
۳۶. سبحانی، جعفر، **الحدیث النبوی بین الروایه والدرايه**، قم، موسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۹ق.
۳۷. سبحانی، جعفر، **الملازمه بین حکمی العقل و الشرع عند الشیخ الانصاری**، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۵ق.
۳۸. سبحانی، جعفر، **الموجز فی اصول الفقه**، قم، موسسه امام صادق، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷.
۳۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المشهور فی التفسیر بالمأثور**، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴۰. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، **مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنه**، المدینه المنوره، الجامعه الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۴۱. شوشتری، محمد تقی، **اخبار الدخیله**، علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.

۴۲. شیرازی، ابراهیم بن علی، **اللمع فی اصول الفقه**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۴۳. صالح، صبحی، **علوم الحدیث و مصطلح**، بیروت، دارالعلم للعالمین، ۲۰۰۹م.
۴۴. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، **شرح اصول الکافی**، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
۴۵. صدر، محمد باقر، **المعالم الجدیدة لالصول**، بیروت، مکتبه النجاح، دوم، ۱۳۹۵ق.
۴۶. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ق.
۴۷. طباطبایی، محمد کاظم، **منطق فهم حدیث**، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.
۴۸. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الأحکام**، تحقیق حسن خرسان، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، **التبیین فی تفسیر القرآن**، قم، ذوی القربی، ۱۴۳۱ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، **العده فی اصول الفقه**، محمد رضا انصاری، بی نا، ۱۴۱۷ق.
۵۲. عراقی، ضیاء الدین، **نهایه الافکار**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۳. عکبری، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، **تصحیح الاعتقادات الامامیه**، قم، اول، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۵۴. علم الهدی، علی بن حسین، **أمالی الموترضی**، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۸۸م.
۵۵. علم الهدی، علی بن حسین، **رسائل الشریف الموترضی**، قم، اول، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۵۶. غروی نایینی، نهله و محمد نجفی، (۱۳۸۸ش)، «بررسی رویکرد آیه الله سید محمد حسین فضل الله به روایات تفسیری در تفسیر من وحی القرآن»، **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره اول، صص ۲۴-۴۷.
۵۷. غزالی، محمد بن محمد، **احیاء علوم الدین**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ق.
۵۸. غزالی، محمد بن محمد، **المستصفی من علم الاصول**، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.
۵۹. فتح اللهی، ابراهیم، (۱۳۹۴ش)، «نقد متن محور بر اساس ادله عقلی»، **روش شناسی مطالعات دینی**، شماره ۱، صص ۴۵-۵۶.

۶۰. فتحی دادی، بابا، **مکانه العقل فی نقد الحدیث عند علماء الحدیث**، تلمسان، مجله دراسات لجامعه الأغواط، عدد ۳۵، ژوئن ۲۰۱۵م.
۶۱. فرامرز قراملکی، احد، **منطق ۲**، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
۶۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۶۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، **ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاحکام**، مهدی رجایی، قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۶۶. مطهری، مرتضی، **اسلام و مقتضیات زمان**، قم، صدرا، ۱۳۷۱.
۶۷. مطهری، مرتضی، **شرح منظومه**، قم، صدرا، ۱۳۶۹.
۶۸. مظفر، محمد رضا، **اصول الفقه**، تهران، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۶۹. معارف، مجید و لعل مرادی، (۱۳۹۶ش)، «بررسی کاربرد عقل در نقل روایات»، **حدیث پژوهی**، شماره ۱۸، صص ۸۰-۱۱۶.
۷۰. معرفت، محمد هادی، **التفسیر الأثری الجامع**، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تمهید، ۱۴۲۹ الف.
۷۱. معرفت، محمد هادی، **التفسیر و المفسرون**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ق.
۷۲. معرفت، محمد هادی، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۴۲۹ ب.
۷۳. معرفت، محمد هادی، **ولایت فقیه**، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ه. ش.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهیه**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۱۶ق.
۷۵. مکی، محمد، **موسوعه الشهید الأول**، قم، مکتب الإعلام الاسلامی فی الحوزه العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۷۶. مهدوی راد، محمد علی و محمد علی اجری، (۱۳۸۷ش)، «نقش عقل در نقد و فهم حدیث از دیدگاه مفید»، پژوهشهای فلسفی و کلامی، شماره ۳۸، صص ۱۶۵-۱۶۸.
۷۷. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۷۸. نصیری، علی، *روش شناسی نقد احادیث*، قم، وحی و خرد، ۱۳۹۰.
۷۹. نفسی، شادی، *علامه طباطبایی و حدیث*، تهران، دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۸۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *بحوث فی علم الاصول*، تقریرات درس محمد باقر صدر، قم، ۱۴۰۵.
۸۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

1. Ibn Jūzī, Jamal al-Din ibn Ali (1966), Al-Mawdūāt, Medina: Maktaba al-Salafiya.
2. Ibn Hanbal, Ahmad (1420 AH), Al-Musnad, Beirut, Al-Rasalah Institute.
3. Ibn Fāris, Ahmad (1404 AH), Mu'jam Maqāyīs al-Lugha, Abd al-Salam Haroun, Qom: 'A'lām al-Islami Library.
4. Ibn Manzūr, Mohammad ibn Mukrim (1414 AH), Lisān al-Arab, Beirut, Dar Sadir.
5. Edelebī, Salah al-Din (1403 AH), Manhaj al-Naqd 'ind 'Ulamā' al-Hadith al-Nabawiī, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah.
6. Aristotle (2000), About Self, Ali Moradi, Tehran: Hikmat.

7. Esfahani, Mirza Mehdi (2016), *Abwāb al-Hudā*, Qom: Boostan-e Ketab.
8. Aarabi, Gholamhossein and Mohammadi Jola (2011), "The Place and Role of Reason in Hadith Criticism," *Literature and Human Sciences*, Fall and Winter: pp. 34-11.
9. Āmidī, Ali ibn Mohammad (nd), *Al-Ahkām fī 'Usūl al-Ahkām*, Beirut: Dar al-Samī'ī
10. Ansari, Morteza (1419 AH), *Farā'id al-'Usoul*, Qom: Majma'ul Fikr al-Islami.
11. Bahrānī, Yusuf (1430 AH), *Al-Hadāiq al-Nāzirah fī Akhām al-'Itrat al-Tāhirah*, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, 2nd ed.
12. Bukhari, Mohammad ibn Ismail (1407 AH), *Al-Jāmi' al-Sahīh al-Mukhtasar*, Beirut: Dar Ibn Kathir.
13. Borujerdi, Mohammad Taqi (nd), *Nahayat al-Afkār*, Qom: Np.
14. Beyhaqi, Ahmad ibn Hossein (1344 AH), *Al-Sunan al-Kubra*, Hyderabad: Majlis Al-Nazimiya al-Ka'ina.
15. Beyhaqi, Ahmad ibn Hussain (1412 AH), *Marifah al-Sunan wa al-Āthār*, Karachi: Jāmi'a al-Dirāsāt.
16. Beyhaqi, Ahmad ibn Hossein (1413 AH), *Al-Asmā' wa al-Sifāt*, Jeddah: Al-Sawādī Library.
17. Jassās, Ahmad ibn Ali (1428 AH), *Al-Fusūl fī al-'Usūl*, Kuwait: Ministry of Awqaf.
18. Jawābī, Mohammad Tahir (nd), *Juhūd al-Muhaddithīn fī Naqd Matn al-Hadīth al-Nabawī*, Tunisia: Al-Karim ibn Abdullah Institute.
19. Al-Jawzīyah, Mohammad ibn Abi Bakr (1970), *Al-Manār Al-Munīf fī al-Sahīh wa al-Za'īf*, Aleppo: Islamic Press.
20. Haj Hassan, Hossein (1975), *Criticism of Hadith in the Science of Al-Riwāyah wa al-Dirāyah*, Abdul Majid Turki, Beirut: np.

21. Hosseinnejad, Seyyed Mojtabi (2013), "Analysis of the foundations of scholars with an approach to new issues," Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law 33: 35-54.
22. Khatīb al-Baghdadi, Ahmad ibn Ali (1417 AH), Al-Faqih wa al-Motafaqih, Mecca: 'Umm al-Qurā.
23. Khatīb al-Baghdadi, Ahmad ibn Ali (2003), Al-Kifāyat fī Ma'rifat Usūl 'Ilm al-Riwāyah, Cairo: Dar al-Hadi.
24. Khomeini, Sayed Rouhollah (nd), Al-'Istishāb, Qom: Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini.
25. Khomeini, Sayed Rouhollah (2006), Al-Rasā'il, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
26. Khomeini, Sayed Rouhollah (1421 AH), Kitāb al-Bay', Qom: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
27. Khū'ī, Sayed Abulqasem (1417 AH), Lectures on the Principles of Jurisprudence, Najaf: Ansariyan.
28. Khū'ī, Sayed Abulqasem (2017), Minhāj al-Sālihīn, Najaf: np.
29. Demini, Mosfar Azmullah (1404 AH), Maqā'īs Naqd Mutūn al-Sunnah, Riyadh: np.
30. Rāzī, Hossein ibn Ali (1408 AH), Rawd al-Janān wa Rūh al-Jinān fī Tafsīr al-Qur'an, Mashhad: Islamic Research Foundation.
31. Rāghib Isfahānī, Hussein ibn Mohammad (1412 AH), Mufradāt Alfāz al-Qur'an, Research: Safwān Adnān Dāwoudī, Dar-al-Shāmīya.

32. Rouhani, Sayed Mohammad (1413 AH), *Muntaq al-'Usūl*, Office of Ayatollah Sayed Mohammad Hosseini Rouhani.
33. Reyshahri, Mohammad (2015), *Encyclopedia of Islamic Beliefs*, Qom: Dar al-Hadith.
34. Reyshahri, Mohammad (2018), *Hadith Encyclopedia*, Qom: Dar al-Hadith.
35. Sabā'ū, Mostafa (1976), *Al-Sunnah wa Makānatuhā fī Tashrī' al-Islami*, Beirut: Al-Maktab al-Islami.
36. Sobhānī, Ja'far (1419 AH), *Al-Hadith al-Nabawī bayn al-Riwāyat wa al-Dirāya*, Qom: Institute of Imam al-Sadiq (AS).
37. Sobhānī, Ja'far (1415 AH), *Al-Mulāzama bayn al-Hukm al-Shar'ī wa al-'Aql 'ind al-Shaykh al-Ansārī*, Qom: Institute of Imam Sadiq (AS).
38. Sobhānī, Ja'far (2008), *Al-Mūjiz fī 'Usūl al-Fiqh*, Qom: Institute of Imam Sadiq, 14th edition.
39. Suyūṭī, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1409 AH), *Miftāh al-Jannah fī al-Ihtijāj al-Sunnah*, Medina: Islamic University.
40. Suyūṭī, Abd al-Rahman (1404 AH), *Al-Durr al-Manthūr fī Tafṣīr al-Mathūr*, Qom: Ayat`ollah Marashi Najafi's Library.
41. Shūshtarī, Mohammad Taqi (nd), *Akhbār al-Dakhīla*, Ali Akbar Ghafari, Tehran, Al-Sadouq Library.
42. Shirazi, Ibrahim ibn Ali (1424 AH), *Al-Luma' fi 'Usūl al-Fiqh*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya.
43. Saleh, Sobhī (2009), *Sciences of Hadith and Terminology*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya.
44. Sadr al-Din Shirazī, Mohammad ibn Ibrahim (1987), *Explanation of 'Usūl al-Kāfī*, Tehran: Cultural Studies and Research.

45. Sadr, Mohammad Baqir (2015), *Al-Ma'ālim al-Jadīdah fi al-'Usūl*, Beirut: Maktaba al-Najah, 2nd ed.
46. Tabataba'ī, Sayed Mohammad Hussein (1390 AH), *Al-Mīzān*, Beirut: Al-'A'lamī Foundation for Publications.
47. Tabataba'ī, Mohammad Kazem (2018), *Logic of Understanding Hadith*, Qom: Imam Khomeini Institute.
48. Tabarī, Mohammad ibn Jarīr (1412 AH), *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Marifa.
49. Tūsī, Mohammad ibn Hasan (1431), *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Dhaw al-Qurbā.
50. Tūsī, Mohammad ibn Hasan (1417 AH), *Al-'Udda fī al-'Usūl*, Mohammad Reza Ansari, np.
51. Tūsī, Mohammad ibn Hasan (1407 AH), *Tahdhīb al-Ahkām*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
52. Iraqi, Ziya' al-Din (1417 AH), *Nihāyat al-Afkār*, Qom: Islamic Publishing House.
53. Akbari, Mohammad Ibn Numan (Sheikh Mufid), (1413 AH), *Tashīh 'l-tiqādāt al-Imāmīyah*, Research: Hossein Dargahi, The World Millennium Conference of Sheikh Al-Mufid.
54. 'Alam al-Hudā, Ali ibn Hossein (1988), *Al-Amālī*, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
55. 'Alam al-Hudā. Ali ibn Hossein (1405 AH), *Al-Rasā'il*, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
56. Gharavi Na'ini, Nehlae; Najafi, Mohammad (2008), "Review of Ayatollah Seyed Mohammad Hossein Fazlullah's approach to interpretive narrations in the commentary of *Min Wahy Al-Qur'an*", *Qur'an and Hadith Science Research* 1: 24-47.
57. Ghazālī, Mohammad ibn Mohammad (1402 AH), *'Ihyā' 'Ulūm al-Dīn*, Beirut: Dar al-Ma'rifa.

58. Ghazālī, Mohammad ibn Mohammad (1417 AH), *Al-Mostasfā Min 'Ilm al-'Usūl*, Beirut: Al-Risālah Institute.
59. Fethullahi, Ebrahim (2014), "Criticism of text based on rational evidence," *Methodology of Religious Studies* 1: pp. 45-56.
60. Fathī Dadi, Bābā (2015), *The Place of Reason in the Criticism of Hadith by Scholars of Hadith*, *Journal of Studies for Al-Aghwāt University* 35, June.
61. Faramarz Qaramaleki, Ahad (2005), *Logic* 2, Tehran: Payam-e Noor University.
62. Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1409 AH), *Kitāb al-'Ayn*, Qom: Hijrah.
63. Kulainī, Mohammad ibn Yaqoub (1429 AH), *Al-Kāfī*, Research: Dar Al-Hadith.
64. Majlisī, Mohammad Baqir (1406 AH), *Malādh al-Akhyār*, Mehdi Rajaei, Qom: Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī.
65. Majlisī, Mohammad Baqir (1403 AH), *Bihar Al-Anwar*, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
66. Motahari, Morteza (1992), *Islam and the Requirements of Time*, Qom: Sadra.
67. Motahari, Morteza (1990), *Explanation of Manzūmah*, Qom: Sadra.
68. Muzaffar, Mohammad Reza (1405 AH), *Principles of Fiqh*, Tehran: Islamic Knowledge Publishing House.
69. Ma'aref, Majid and Moradi, Laya (2016), "Examination of the use of reason in narrations", *Hadith Research* 18: 116-180.
70. Ma'rafet, Mohammad Hadi (1429 AH-a), *Al-Tafsīr Al-Atharī Al-Jām'i*, Qom: Tamhid Cultural Publishing Institute.

71. Ma'rafet, Mohammad Hadi (1418 AH), *Al-Tafsīr wal-Mufasssīrūn*, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
72. Ma'rafet, Mohammad Hadi (1429 AH-b), *Al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Qur'an*, Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute.
73. Ma'rafet, Mohammad Hadi (1998), *Wilāyat-e Faqīh*, Qom: Tamhid Publishing Cultural Institute, 3rd ed.
74. Makarem Shirazi, Nasser (1416 AH), *Al-Qawā'id al-Fiqhīya*, Qom: Madrasa al-Imam Ali ibn Abi Talib (AS).
75. Makkī, Mohammad (1420 AH), *Mawsū'at Al-Shaheed Al-Awal*, Qom: Library of Islamic Information in Al-Hawza Al- 'Ilmiya.
76. Mahdavirad, Mohammad Ali and Ajri, Mohammad Ali (2007), "The role of reason in criticizing and understanding hadith from Sheikh Mufīd's perspective," *Philosophical and Theological Researches* 38: 165-168.
77. Najafī, Mohammad Hassan (1412 AH), *Jawahir al-Kalām fī Sharh Sharīah al-Islam*, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiya.
78. Nasiri, Ali (2019), *Methodology of Ahadith Criticism*, Qom: Revelation and Reason.
79. Nafisi, Shadi (2010), *Allameh Tabatabae'i and Hadith*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, 2nd ed.
80. Hashemi Shahroudi, Sayed Mahmoud (1405 AH), *Buhūthun fī 'Ilm al-'Usūl*, Lectures of Mohammad Baqir Sadr, Qom: np.
81. Hashemi Shahroudi, Sayed Mahmoud (2013), *The Fiqh Encyclopedia Based on the School of Ahl al-Bayt (AS)*, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute.